



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

حضرت زينب (سلام الله عليها)

نائبة الامام



محمد رضا شريفى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حضرت زینب (سلام الله علیها) نائبه الامام

نویسنده:

واحد تحقیقات مرکز غدیرستان کوثر نبی صلی الله علیه و آله
و سلم

ناشر چاپی:

مرکز غدیرستان کوثر نبی (صلی الله علیه و آله و سلم)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	حضرت زینب (سلام الله علیها) نائبه الامام
۶	مشخصات کتاب
۶	غدیر در سیره حضرت زینب (سلام الله علیها)
۶	اشاره
۷	شهادت
۹	میلاد و نامگذاری آسمانی
۹	نام والقباب
۱۴	فضائل
۱۴	اشاره
۱۶	علم
۱۶	تفسیر قرآن
۱۶	عالمه غیرمعلمه
۱۷	عبادت حضرت زینب سلام الله علیها
۱۸	خطبه حضرت زینب سلام الله علیها در کوفه
۲۲	متن کامل خطبه حضرت زینب (سلام الله علیها) در شام:
۲۷	کرامات
۲۹	امام زمان علیه السلام و حضرت زینب (سلام الله علیها)
۳۰	شهادت فرزندان حضرت زینب (سلام الله علیها)
۳۰	اشاره
۳۱	وداع امام (علیه السلام) و درخواست پیراهن کهنه
۳۲	درباره مرکز

حضرت زینب (سلام الله علیها) نائبه الامام

مشخصات کتاب

سرشناسه: مرکز تخصصی غدیرستان کوثر نبی (ص)

عنوان و نام پدیدآور: غدیر در سیره عملی امام جواد علیه السلام/ واحد تحقیقات مرکز تخصصی غدیرستان کوثر نبی (ص)/ محمد رضا شریفی

مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه و رایانه

موضوع: حضرت زینب (سلام الله علیها) - غدیر

ص: ۱

غدیر در سیره حضرت زینب (سلام الله علیها)

اشاره

غدیر ظرفی است که اهمیت آن به مظلوف آن می باشد و آن ولایت است و بزرگان در طول تاریخ نسبت به ولایت و صاحبان ولایت اهمیت ویژه ای داده اند و در راه دفاع از آن تا پای جان و فدا نمودن فرزندان و زندگی خود تلاش نموده اند .

حضرت زینب (سلام الله علیها) بارزاین شخصیت های منحصر بفرد است که از محضر پدر بزرگوارشان امیرالمومنین علی علیه السلام صاحب غدیر بهره مند بردند و سپس مدافع امام زمانشان حسن بن علی علیه السلام و بعد مدافع و فدائی امام زمانشان حسین بن علی علیه السلام شدند و در نهایت در محضر امام زمانشان حضرت زین العابدین علیه السلام دفاع او از سید الشهداء در صحنه کربلا- و حفظ جان ایشان در چندین جایگاه و حفظ جان زین العابدین علیه السلام و خطبه آتشین او در کوفه و شام همراه با بیداری مردم کوفه و شام و ... همگی در مسیر دفاع از ولایت بود

هر تحمل مصائب در این راه و صبر در جهت دفاع از معارف غدیر.

شهادت

ماجرای کربلا- پایان پذیرفته ، ولی غمهای حضرت زینب (سلام الله علیها) فراموش شدنی نیست . هر لحظه او کربلا و عاشورا و اسارت و درد رنج است . هر لحظه ، مدینه یادآور حدیث کساء اهل بیت (علیهم السلام) و دوران هجرت حضرت زینب و امام حسین (علیهما السلام) ، از سخت ترین دوران عمر اوست .

در مدینه قحطی سختی رخ داده است . عبدالله بن جعفر که بحر جود و کرم است و عادت بر بذل و عطا دارد ، به دلیل اینکه دستش از سرمایه دنیا تهیه گشته راهی شام می گردد و به کار زراعت مشغول می شود؛ ولی حضرت زینب (سلام الله علیها)، هر روز او گریه و داغ دل است . مدتی می گذرد که زینب گرفتار تب وصل خانواده اش می گردد و هر لحظه مریضی او شدت پیدا می کند ، تا اینکه نیمه ظهر به همسر خویش عبدالله می گوید : ((بستر مرا در حیاط به زیر آفتاب قرار بده .))

عبدالله می فرماید : ((او را در حیاط جای دادم که متوجه شدم چیزی را روی سینه خویش نهاده و مدام زیر لب حرفی می زند . به او نزدیک شدم دیدم پیراهنی را که یادگار از کربلاست ؛ یعنی پیراهن حسین را ، که خونین و پاره پاره است ، بر روی سینه نهاده و مدام می گوید : ((حسین ، حسین ، حسین !...))

لحظاتی بعد او وارد بر حریم اهل بیت النبوه گشت و کارنامه عمرش به به خیر و سعادت ختم گردید .

حضرت زینب سلام الله علیها، شیر زن دشت کربلا سرانجام پس از عمری دفاع از طریق حقه ولایت و امامت در ۱۵ رجب سال ۶۳ هجری قمری در ضمن سفری که به همراه همسر گرامیشان عبدالله بن جعفر به شام رفته بودند، به شهادت رسیدند و بدن مطهر آن بانوی بزرگوار در همانجا دفن گردید.

مزار ملکوتی آن حضرت (دمشق/سوریه)، اینک زیارتگاه عاشقان و ارادتمندان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام می باشد. در بحرالمصایب گوید: حضرت زینب (سلام الله علیها) بعد از واقعه کربلا و رنج و محنت ایام ، چندان بگریست که قدش خمیده و گیسوانش سفید گردید؛ دایم الحزن بزیست تا رخت به دیگر سرای کشید .

۲۰۰ داستان از فضایل ، مصایب و کرامات حضرت زینب (سلام الله علیها).

میلاد و نامگذاری آسمانی

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت زینب (سلام الله علیها)

معرفی اجمالی

حضرت زینب (سلام الله علیها) روز پنجم جمادی الاولی سال پنجم یا ششم هجری دیده به جهان گشود.

پدرش حضرت امیر المؤمنین علی (علیه السلام)

مادرش حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) می باشد.

پس از تولد، حضرت فاطمه (سلام الله علیها) دخترش را نزد امیر المؤمنین علی (علیه السلام) بردند و از ایشان خواستند که نامی برای وی انتخاب نماید،

امیر المؤمنین علی (علیه السلام) فرمود: از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) پیشی نمی گیرم در آن هنگام پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در مسافرت بودند.

پس از بازگشت، امیر المؤمنین علی (علیه السلام) به محضرشان شرفیاب شد و از ایشان درخواست کرد که برای دخترش نامی انتخاب بکنند.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: من هم از پروردگارم پیشی نمی گیرم.

در این هنگام جبرئیل نازل شد و درود پروردگار را ابلاغ فرمود و گفت: نام این دختر را «زینب» انتخاب کن. زیرا خداوند چنین فرموده است.

سپس از مصائبی که بر این کودک وارد می شود خبر داد؛

پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در حالی که سخت می گریستند

فرمود: هر کس بر او بگرید مانند کسی است که بر حسین (علیه السلام) گریسته.

اسیران و جانبازان کربلا، ص: ۹۰

نام و القاب

حضرت زینب (سلام الله علیها) لقب های فراوانی دارد که عبارت اند از: صدیقه صغری، عقیله بنی هاشم، عقیله الطالبین، موثقه، عارفه، عالمه غیر معلّمه، فاضله، کامله، عابده آل ابی طالب.

ص: ۳

القاب دیگری که برای حضرت ذکر کرده اند:

عالمه غیر معلمه : دانای نیاموخته

فهمه غیر مفهمه : فهمیده بی آموزگار

کعبه الرزایا : قبله رنجها .

نائبه الزهراء : جانشین و نماینده حضرت زهرا (سلام الله علیها)

نایبه الامام : جانشین و نماینده امام حسین (علیه السلام)

ملیکه الدنیا : ملکه جان ، شه بانوی گیتی .

عقیله النساء : خردمند بانوان .

عدیله الخامس من اهل الکساء : همتای پنجمین نفر از اهل کساء .

شریکه الشهید : انباز شهید .

کفيله السجاد : سرپرست حضرت سجاد(علیه السلام).

ناموس رواق العظمه : ناموس حریم عظمت و کبریایی .

سیه العقایل : بانوی بانوان خردمند .

سر ابیها : راز پدرش امیرالمومنین علی (علیه السلام)

سلاله الولاية : فشرده و خلاصه و چکیده ولایت .

ولیده الفصاحه : زاده شیوا سخنی .

شقیقه الحسن : دلسوز و غمخوار حضرت حسن (علیه السلام) .

عقیلی خدر الرساله : خردمند پرده نشینان رسالت .

رضیعه ثدی الولاية : کسی که از پستان ولایت شیر خورده .

بلیغه : سخنور رسا .

فصیحه : سخنور گویا .

صدیقه الصغری : راستگوی کوچک (در مقابل صدیقه کبری) .

الموثقه : بانوی مورد اطمینان .

عقیله الطالبین : بانوی خردمند از خاندان حضرت ابوطالب (علیه السلام) و (در بین طالبیان) .

الفاضله : بانوی با فضیلت .

الکامله : بانوی تام و کامل .

عابده آل علی : پارسای خاندان علی

عقلیه الوحی : بانوی خردمند وحی

شمسه قلاده الجلاله : خورشید منظومه بزرگواری و شکوه .

نجمه سماء النباله : ستاره آسمان شرف و کرامت .

ص: ۴

المعصومه الصغری: پاک و مطهره کوچک .

قرینه النوایب: همدم و همراه ناگواری ها .

محبوبه المصطفی: مورد محبت و محبوب حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) .

قره عین المرتضی: نور چشم حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) .

صابره محتسبه: پایداری کننده به حساب خداوند برای خداوند .

عقیله النبوه: بانوی خردمند پیامبری .

ربه خدر القدس: پرونده پرده نشینان پاکی و تقدیس .

قبله البرایا: کعبه آفریدگان .

رضیعه الوحی: کسی که از پستان وحی شیر مکیده است .

باب حطه الخطایا: دروازه آمرزش گناهان .

حفره علی و فاطمه: مرکز جمع آوری دوستی و محبت امیرالمومنین علی (علیه السلام) و حضرت فاطمه (سلام الله علیها) .

ربیعه الفضل: پیش زاده فضیلت و برتری .

بطله کربلاء: قهرمان کربلا .

عظیمه بلواها: بانویی که امتحانش بس بزرگ بود .

عقلیه القریش: بانوی خردمند از قریش .

الباکیه: بانوی گریان .

سلیله الزهراء: چکیده و خلاصه حضرت زهرا (سلام الله علیها) .

امنیه الله: امانت دار الهی .

آیه من آیات الله: نشانی از نشانه های خداوند .

مظلومه و حیده: ستم دیده بی کس .

کنیه اش، امّ المصائب، امّ الزّزایا، امّ التّوائب، امّ کلثوم کبری، امّ عبداللّه و امّ الحسن بوده است.

کنیه او را نیز ام کلثوم گذاشتند. وی دختر بزرگ این خانواده می باشد. داستان از فضایل ، مصایب و کرامات حضرت زینب (سلام الله علیها) نوشته عباس عزیزی ص: ۵۳

اسیران و جانبازان کربلا، ص: ۹۰

فضائل

اشاره

«حضرت زینب سلام الله علیها» دختر امیر المومنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) و فاطمه زهرا (سلام الله علیها) بود و بدین جهت مورد توجه مسلمانان قرار داشت.

ص: ۵

او در بزرگ‌ترین حماسه نبرد حق علیه باطل، نقش مهم و سرنوشت ساز داشته و پیام رسان انقلاب عاشورا بود.

زینب (سلام الله علیها) علاوه بر شخصیت خانوادگی، از نظر اخلاقی و معنوی دارای کمالات فراوان بود. او عالمه غیر معلّمه، سخنوری کم نظیر، زاهدی شب زنده دار، مجاهدی نستوه و الگوی کامل زن معرّفی شده در قرآن بود. او با شجاعتی تحسین برانگیز، رو در روی یزید و مزدورانش ایستاد و پیروزی نهضت حسینی و شکست امویان را اعلام کرد:

فَكَد كَيْدَكَ وَاشَعَ سَيْفِيكَ، فَوَاللَّهِ لَا تَمُحُو ذِكْرَنَا، وَلَا تُمِيتُ وَحَيْنَا ... یزید! هر حيله ای که داری به کار گیر و هر تلاشی می توانی انجام ده، سوگند به خداوند که هرگز نمی توانی نام و یاد ما را از ذهن ها محو کنی و یا آیین و وحی ما را از میان برداری ...

این سخنان را زن داغدیده ای اظهار کرد که یزیدیان عزیزترین کسان او را با دلخراش ترین وضع به شهادت رسانده بودند!

ایمان محکم و استوار حضرت زینب (سلام الله علیها) نیز تحسین برانگیز است؛ وقتی ابن زیاد گفت: رفتار خدا را با برادر و خاندانت چگونه دیدی؟

فرمود:

من جز نیکی ندیدم. اینان مردمانی بودند که خداوند تعالی کشته شدن را برای آنها مقدر فرموده بود و آنان نیز (با کمال افتخار) به آرامگاه خود شتافتند ... ولی بدان که به زودی خدای (با عظمت) میان تو و ایشان جمع خواهد کرد و تو را مورد بازخواست و احتجاج قرار خواهد داد.

«حزیم اسدی» می گوید:

سوگند به خدا! زن با حیایی سخنورتر از زینب ندیدم، گویا او با زبان امیرالمومنین علی (علیه السلام) سخن می گفت!

ص: ۶

او بدون کوچک‌ترین واژه‌ای در مجلس «ابن زیاد» در کوفه و مجلس «یزید بن معاویه» در شام در معزفی اهل بیت (علیهم السلام) و اهداف والای شهدای کربلا سخن راند و چهره کریه بنی امیه را به مردم نمایاند.

بدون تردید نقش و تأثیر شخصیت زینب کبری (سلام الله علیها) در شکل‌گیری و موفقیت نهضت خونین عاشورا بسیار چشمگیر بوده است. زمینه‌های قیام امام حسین (علیه السلام) (ج ۲)، ص: ۲۷۷

علم

تفسیر قرآن

فاضل گرامی سید نورالدین جزایری در کتاب خود ((خصایص الزینیه)) چنین نقل می‌کند:

((روزگاری که امیرالمومنین علی (علیه السلام) در کوفه بود، حضرت زینب (سلام الله علیها) در خانه اش مجلسی داشت که برای زنها قرآن تفسیر و معنی آن را آشکار می‌کرد. روزی ((کهیصص)) را تفسیر می‌نمود که ناگاه امیرالمومنین علی (علیه السلام) به خانه او آمد و فرمود: ای نور و روشنی دو چشمانم! شنیدم برای زن‌ها ((کهیصص)) را تفسیر می‌نمایی؟

حضرت زینب (سلام الله علیها) گفت: آری. امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمود: این رمز و نشانه‌ای است برای مصیبت و اندوهی که به شما عترت و فرزندان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روی می‌آورد. پس از آن مصایب و اندوه‌ها را شرح داد و آشکار ساخت. پس آن‌گاه حضرت زینب (سلام الله علیها) گریه کرد، گریه با صدا. ۲۰۰ داستان از فضایل، مصایب و کرامات حضرت زینب (سلام الله علیها) نوشته عباس عزیزی ص: ۱۷

عالمه غیر معلمه

قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ (علیه السلام) يَا عَمَّةُ... أَنْتِ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَةٌ غَيْرُ مُعَلَّمَةٍ فَهَمَّةٌ غَيْرُ مُفَهَّمَةٍ...

ص: ۷

امام زین العابدین علیه السلام خطاب به عمه ی بزرگوارشان حضرت زینب (سلام الله علیها) فرمودند: شما بحمدالله عالمید بدون اینکه دارای معلم بوده باشید و شما فهمیده ای هستید بدون اینکه کسی به شما فهمانده باشد اشاره است به علم لدنی حضرت (سلام الله علیها)

عبادت حضرت زینب سلام الله علیها

- عبادت حضرت زینب (سلام الله علیها)

یکی از ویژگی های این بانوی بزرگوار اسلام حالت معنوی و ارتباط قوی او با آفریدگار جهان بود. به طوری که نقل کرده اند حتی در شب یازدهم محرم که شب شام غریبان بود نماز شبش ترک نشد؛ منتهی به خاطر ضعفی که بر وی مستولی شده بود نماز شب خویش را در آن شب نشسته خواند.

مرحوم نقدی در کتابش آورده که: حضرت زینب (سلام الله علیها) در عبادت ثانی حضرت زهرا (سلام الله علیها) بود، تمام شبها را به عبادت، تهجد و تلاوت قرآن سپری می کرد. وی هم چنین از برخی از بزرگان نقل می کند که در طول عمر تهجد و شب زنده داری اش ترک نشده است حتی در شب یازدهم محرم امام زین العابدین (علیه السلام) می فرماید: در شب یازدهم محرم دیدم نشسته نماز می خواند. نیز آن بزرگوار می فرماید: با این همه مصیبت و اندوهی که به ما روی آورده اما در مسیری که به شام می رفتیم نافله های شب عمه ام اصلاً ترک نشد، امام حسین (علیه السلام) در آخرین وداع با خواهرش حضرت زینب (سلام الله علیها) به او فرمود: یا اختاه لاتنسینی فی نافله اللیل، خواهرم مرا در نماز شب فراموش نکن. هم چنین از فاطمه دختر امام حسین (علیه السلام) چنین نقل شده که: عمه ام زینب (سلام الله علیها) در شب دهم محرم در محراب عبادت مشغول مناجات بود و با خدا راز و نیاز می کرد در حالی که چشمی از ما به خواب نرفته و ضجه های مان آرام نشده بود. نیز از امام سجاد نقل شده: هنگامی که ما را از کوفه به سوی شام حرکت می دادند عمه ام زینب (سلام الله علیها) مرتب نمازهای واجب و مستحب خویش را انجام می داد و در بعضی از منازل نمازش را نشسته می خواند، وقتی سبب را پرسیدم؟ گفت: به خاطر گرسنگی و ضعف؛ زیرا سه شبانه روز غذا نخورده بود و سهم غذایش را در میان کودکان تقسیم کرده بود.

اسیران و جانبازان کربلا، ص: ۱۰۶

خطبه حضرت زینب سلام الله علیها در کوفه

سید بن طاووس می نویسد: شبیر بن خزیم اسدی گوید: در آن روز زینب دختر امیرالمومنین علی (علیه السلام) را چنان دیدم که هیچ زنی به سخنوری او نبود. گویی که از زبان پدرش امیرالمومنین علی (علیه السلام) سخن می گفت. او به مردم اشاره کرد که ساکت باشند. در پی آن نفسها در سینه حبس شد و زنگها از حرکت باز ایستاد. آنگاه فرمود:

الحمد لله، درود بر جدّم محمد و خاندان پاک و برگزیده اش. ای مردم کوفه، ای اهل فریب و نیرنگ! آیا گریه می کنید؟ هنوز اشک چشم ما خشک و آه سینه هامان آرام نشده است. مثل شما مثل همان زنی است که رشته های خود را می بافت و سپس آن را برمی گشود. شما ایمانتان را در میان خود به تباهی کشانده اید.

آگاه باشید، در میان شما جز چاپلوسی، شر، فساد، نخوت، عجب، کینه، و تملق گویی چیزی دیده نمی شود. شما همچون گیاهی هستید که بر منجلاب بروید یا نقره ای که در خاک مدفون باشد. بدانید که شما بد ذخیره ای برای آخرت خویش فرستاده اید.

شما سزاوار خشم خدایید و در عذاب، جاوید خواهید ماند.

آیا می گریید و صدا به شیون بلند می کنید؟ آری به خدا سوگند که باید بسیار بگریید و اندک بخندید. ننگ این جنایت دامتان را آلوده ساخته و با هیچ آبی نمی توانید آن را بشوید. مگر می شود خون پسر خاتم پیامبران و معدن رسالت و سرور جوانان اهل بهشت را شست؟ شما کسی را کشتید که پناهگاه نیاکان و دادرس پیش آمدهای ناگوار و جایگاه نور و محبت شما و پیشوای سنت شما بود.

ص: ۹

بدانید که گناهی زشت مرتکب شده اید و از رحمت خداوند دور باشید و نابود گردید. کوشش‌هایتان بی نتیجه و دست‌هایتان بریده باد. شما سخت زیانکارید و خشم خدا را به جان خریدید و داغ خواری و بیچارگی بر شما نقش بست.

ای مردم کوفه، وای بر شما، آیا می‌دانید که چه دلی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) خراشیدید و چه جگری از او شکافتید و چه کسانی را از پرده عصمت بیرون آوردید؟

آیا می‌دانید که چه خونی از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)، بر زمین ریختید و چه حرمتی از او هتک کردید؟ شما گناهی بزرگ، سخت، زشت، ناروا، خشونت آمیز و شرم آور مرتکب گشتید.

گناهی که زمین را پر کرده و آسمان را فرا گرفته است! آیا در شگفتید که از آسمان خون ببارد؟ هر آینه عذاب آخرت ذلت بارتر و سخت تر است، شما را در آن روز یاری نمی‌کنند. مبادا مهلتی که به شما داده اند تحریکتان کند، زیرا خداوند در دادن کیفر شتاب نمی‌کند و از سپری شدن وقت مکافات بیمی ندارد؛ و پروردگارتان در کمینگاه است.»

راوی گوید: به خدا سوگند دیدم که مردم در آن روز گریان و سرگردانند. دست‌هایشان را بر دهان گذاشته اند. پیرمردی را دیدم که در کنارم ایستاده بود و آنقدر گریست که محاسنش تر شد؛ و می‌گفت: پدر و مادرم فدایتان باد، پیرانتان بهترین پیرها، جوانانتان بهترین جوانها، زنانان بهترین زنها و نسل شما بهترین نسلها است. نه خوار می‌شوید و نه شکست می‌پذیرید.

(۱). اللهوف، ص ۱۹۲؛ و ر. ک. امامی مفید، ص ۳۲۱؛ الفتوح، ج ۵، ص ۱۳۹؛ امامی طوسی، ج ۱، ص ۹۰؛ مشیر الاحزان، ص ۸۶؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۱۵، و بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۶۲.

۲۰۰ داستان از فضایل ، مصایب و کرامات حضرت زینب (سلام الله علیها) با کاروان حسینی (ج ۵)، ص: ۸۵

خطبه حضرت زینب (سلام الله علیها) در کوفه در جمع مردم (متن عربی و ترجمه) قَالَ بَشِيرُ بْنُ خَزِيمٍ الْأَشْدِيُّ : بشير بن خزيم اسدي گوید :

زينب دختر علی را در آن روز دیدم، وَ نَظَرْتُ إِلَى زَيْنَبِ ابْنَةِ عَلِيِّ يَوْمَئِذٍ، فَلَمْ أَرَ خَفِرَةً قَطُّ أَعْنَقَ مِنْهَا، به خدا سوگند زن با حیایی را تا آن روز سخنورتر از او ندیدم؛ كَأَنَّهَا تُفْرَعُ مِنْ لِسَانِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع ، وَ قَدْ أَعْوَمَاءَتْ إِلَى النَّاسِ أَعْنِ الشُّكُوتِ، گویا که کلمات را بازبان گویای امیرالمومنین علی بن ابی طالب علیه السلام جاری می نمود، حضرت زینب سلام الله علیها به مردم اشاره کرد که ساکت شوید. فَارْتَدَّتِ الْأَنْفَاسُ وَ سَكَتَتِ الْأَجْرَاسُ، ثُمَّ قَالَتْ: ناگهان نفس ها در سینه ها حبس شد و زنگ شتران از صدا افتاد. آنگاه فرمود: اءَلْحَمْدُ لِلَّهِ، وَ الصَّلَاةُ عَلَى جَدِّي مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الْأَخْيَارِ. ستایش از آن خداست و درود بر پدرم محمد و خاندان پاک و نیکو کارش.

اَءَمَّا بَعِيدُ: يا اهل الكوفة، يا اهل الختل والغدر، اما بعد : ای مردم کوفه ، ای مردمان حيله گر و خیانت کار !! اءَتَبْكُونَ؟! فلا رقاءتِ الدَّمْعَةُ، وَ لَا هَدَاءَتِ الرَّنَّةُ، گریه می کنید؟؟ اشک چشمانتان خشک نشود و ناله هایتان آرام نگیرد.

إِنَّمَا مَثَلُكُمْ كَمَثَلِ الَّتِي نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعِيدٍ قُوَّةِ اءِنكاثا، تَتَّخِذُونَ اءِيمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ. همانا که کار شما مانند آن زنی است که رشته ی خود را پس از محکم بافتن، یکی یکی از هم می گسست ، شما نیز سوگندهای خود را در میان خویش، وسیله ی فریب و تقلب ساخته اید.

ص: ۱۱

ءَا وَ هَلْ فِیْكُمْ اِلَّا الصَّلْفُ وَ النَّطْفُ، وَ الصَّدْرُ الشَّنِیْفُ، وَ مَلَقُ الْاِمَاءِ، وَ عَمَزُ الْاَعْدَاءِ؟! آیا در میان شما جز وقاحت و رسوایی، سینه های آکنده از کینه، دو رویی و تملق، همچون زبان پردازی کنیزکان و ذلت و حقارت در برابر دشمنان چیز دیگری نیز یافت می شود؟

ءَا وَ كَمْرَعِ عَلٰی دِمْنِهِ. یا گیاهی را مانید که در منجلاها می روید که قابل خوردن نیست ءَا وَ كَفِضِهِ عَلٰی مَلْحُوْدِهِ، یا به نقره ای مانید که گور مرده را به آن آرایش دهند. ءَا لَّا سَاءَ مَا قَدَّمْتُمْ لِاَنْفُسِكُمْ ءَا نْ سَخَطَ اللّٰهُ عَلَیْكُمْ وَ فِی الْعَذَابِ ءَا تَنْتُمْ خَالِدُوْنَ. چه بدتوشه ای برای آخرت فرستاده اید؛ توشه ای که همان خشم و سخط خدا است و در عذاب جاویدان خواهید بود. ءَا تَبْكُوْنَ وَ تَنْتَجِبُوْنَ؟! گریه می کنید؟ زار می زنید؟ ای و اللّٰه فَاَبْكُوْا كَثِیْرًا، وَ اضْحَكُوْا قَلِیْلًا. آری به خدا سوگند که باید گریه کنید، پس بسیار بگریید و کمتر بخندید. فَلَقَدْ ذَهَبْتُمْ بِعَارِهَا وَ شَنَاوِهَا، وَ لَنْ تَرْحَضُوْهَا بِعَیْدِهَا ءَا بَدَا. چرا که دامان خود را به ننگ و عار جنایتی آلوده اید که ننگ و پلیدی آن را از دامان خود تا ابد نتوانید شست.

وَ ءَا نِّی تَرْحَضُوْنَ قَتْلَ سَلِیْلِ خَاتِمِ النَّبُوَّةِ، وَ مَعْدِنِ الرَّسَالَةِ، وَ سَیِّدِ شَبَابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ، وَ چگونه می توانید ننگ حاصل از کشتن فرزند رسول خدا (ص)، خاتم پیامبران، معدن رسالت، و سرور جوانان اهل بهشت را از دامان خود بزدايید؟ وَ مَا لِذٰ خَیْرٍ تَكُمُ، کسی که پناه مومنان شما، و مَفْرَعِ نَا زَلَّتْكُمْ، فریادرس در بلایای شما، وَ مَنَارِ حُجَّجْتُمْ، و مَدْرَةِ سُنَّتِكُمْ. مشعل فروزان استدلال شما بر حق و حقیقت و یاور شما در هنگام قحطی و خشکسالی بود. ءَا لَّا سَاءَ مَا تَزْرُوْنَ، چه بار سنگین و بدی بر دوش خود نهادید، وَ بَعْدًا لَكُمْ وَ سَحْقًا، فَلَقَدْ خَابَ السَّعْیُ، وَ تَبَّتْ الْاَیْدِی، وَ خَسِرَتِ الصَّفْءُ، وَ بُوْتُمْ بِغَضَبِ مِنَ اللّٰهِ، پس رحمت خدایی از شما دور و دورتر باد. که تلاشتان بیهوده، دستانتان بریده، معامله تان قرین زیان گردیده است، و خود را به خشم خدا گرفتار نموده اید وَ ضَرِبَتْ عَلَیْكُمْ الدَّلَّةُ وَ الْمَسِیْكَنَةُ. و بدین ترتیب خواری و درماندگی بر شما لازم آمده است. وَ یَلِكُمْ یَا اَهْلَ الْكُوفَةِ، ای بر شما ای مردم کوفه! ءَا تَدْرُوْنَ ءَا یَ كَبِدِ لِرَسُولِ اللّٰهِ فَرِیْتُمْ؟! آیا می دانید چه جگری از رسول خدا دریده اید؟ وَ ءَا یَ كَرِیْمِهِ لَهٗ ءَا بَرَزْتُمْ؟! چه زنان و دختران با عفت و وقاری را از خاندان او به کوچه و بازار کشانده اید؟! وَ ءَا یَ دَمٍ لَهٗ سَفَكْتُمْ؟! چه خونی از آن حضرت بر زمین ریخته اید؟! وَ ءَا یَ حُرْمَةٍ لَهٗ اَنْتَهَكْتُمْ؟! و چه حرمتی از او شکسته اید؟! لَقَدْ جِئْتُمْ بِهَا صِیْلَعًا عَنَّا سَوْدَاءَ فُقَمَاءَ. شما این جنایت فجیع را بی پرده و آشکار به انجام رسانید؛ حَرْقَاءَ شَوْهَاءَ، كَطِلَاعِ الْاَرْضِ وَ مِلاءِ السَّمَاءِ. جنایتی که سر آغاز جنایات دیگری در تاریخ گشته، سیاه، تاریک و جبران ناپذیر بوده، تمام سطح زمین و وسعت آسمان را پر کرده است. ءَا فَعَجِبْتُمْ ءَا نْ مَطَرَتِ السَّمَاءِ دَمًا، آیا از اینکه آسمان خون باریده تعجب می کنید؟ وَ لَعَذَابُ الْاٰخِرَةِ اَعْزٰی وَ ءَا نْتُمْ لَا تُنصِرُوْنَ، در حالی که عذاب آخرت در مقایسه با این امر، بسیار شدیدتر و خوار کننده تر است و در آن روز کسی به یاری شما نخواهد آمد. فَلَا یَسْتَخَفُّكُمْ الْمَهْلُ، پس مهلت هایی که خدای متعال به شما می دهد موجب خوشی شما نگردد، فَءَا نَّهُ لَا یَحْفَظُهُ الْبِدَاؤُ وَ لَا یَخَافُ فَوْتَ النَّارِ، چرا که خدا در عذاب کردن بندگان خود شتاب نمی کند، چون ترسی از پایمال شدن خون و ازدست رفتن زمان انتقام ندارد وَ اَنْ رَبُّكُمْ لِبِالْمُرْصَادِ. و همانا که خدای شما همیشه در کمین است. قَالَ الرَّاوی: فَوَ اللّٰهِ لَقَدْ رَأٰیْتُ النَّاسَ یَوْمَئِذٍ حِیَارٰی یَبْكُوْنَ، وَ قَدْ وَضَعُوا اَیْدِیَهُمْ فِی اَفْوَاهِهِمْ. روای گوید:

به خدا سوگند در آن روز مردم را دیدم که حیرت زده گریه می کردند و گاه دست در دهان گرفته و پشت دست به دندان می گزیدند. وَ رَأَيْتُ شَيْخًا وَقِافًا إِلَى جَنْبِي يَبْكِي حَتَّى اخْضَلَّتْ لِحْيَتُهُ وَ هُوَ يَقُولُ: از ان میان پیرمردی در کنار من ایستاده و می گریست ، چنانکه محاسن او از اشکش تر شده بود او می گفت : يَا بِي اُمَّتِي وَ اُمَّي كُهُولُكُمْ خَيْرُ الْكُهُولِ، وَ شَبَابُكُمْ خَيْرُ الشَّبَابِ وَ نِسَاؤُكُمْ خَيْرُ النِّسَاءِ، وَ نَسْلُكُمْ خَيْرُ نَسْلِ، لا- يُخزى وَ لا يُتَزى . پدر و مادرم فدای شما باد !! پیران شما بهترین پیران ، جوانان شما بهترین جوانان، زنان شما بهترین زنان و نسل شما بهترین نسل است؛ هر گز خوار نشده پذیرای شکست نمی گردید.

متن کامل خطبه حضرت زینب (سلام الله علیها) در شام:

متن کامل خطبه حضرت زینب (س) در شام: پس از شهادت امام حسین علیه السلام در روز دهم محرم سال ۶۱ ه. ق. اهل بیت علیهم السلام و حرم امام به اسارت دشمن درآمدند. در بامداد دوازدهم محرم خاندان رسول اسلام صلی الله علیه و آله به رهبری زینب کبری سلام الله علیها و امام زین العابدین علیه السلام از کربلا بطرف کوفه حرکت کردند. پس از ورود به کوفه، و خوشحالی درباریان و ابن زیاد و گرفتن مراسمی به خاطره پیروزی، به طرف شام، محل استقرار یزید حرکت نمودند. وقتی سر حسین علیه السلام و یارانش و اسراء در مقابل یزید حاضر شدند، تشریفات درباری به همان فراوانی بارگاه ابن زیاد انجام شد. «زحر بن قیس که کاروان را به عنوان نماینده ابن زیاد هدایت می کرد سخنرانی طولانی ایراد کرد و در آن به شرح چگونگی شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش پرداخت.» سپس از میان مردم، بعضی ها نسبت به اسارت خاندان نبوت اعتراض کردند و یزید ساکت و جوابی نداد. وقتی بزرگان و سران اهل شام که یزید به مناسبت پیروزی خود، دعوت کرده بود، حاضر شدند، اسراء و سرهای مقدس را نیز به مجلس آوردند.[۱] پس از درخواست مرد سرخ پوستی از اهل شام برای کنیزی گرفتن فاطمه دختر حسین علیه السلام از یزید،[۲] و جلوگیری زینب سلام الله علیها از این کار و گفتگوهای تند بین یزید و ایشان و زدن چوب خیزران بر لبهای مبارک امام علیه السلام بود که حضرت زینب سلام الله علیها برخاست و خطبه آتشینی ایراد کردند. متن عربی این خطبه که در لهوف آمده است که چنین است: «فقامت زینب بنت علی علیه السلام و قالت: الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آله اجمعین. صدق الله کذلك یقول: «ثم کان عاقبه الذین اساء السوی ان کذبوا بآیات الله و کانوا بها یستهزؤون» (سوره روم، آیه ۱۰). اظننت یا یزید حیث اخذت علینا اقطار الارض و آفاق السماء فاصبحنا نساق کما تساق الاماء ان بناء علی الله هو اننا و بک علیه کرامه!! و ان ربک لعظیم خطرک عنده!! فشمغت بانفک و نظرت فی عطفک، جدلا مسرورا، حین رایت الدنیا لک مستوسقه، و الامور متسقه و حین صفالک ملکنا سلطاننا، فمهلا مهلا، انیست قول الله عزوجل: «و لا یحسبن الذین کفروا انما نملی لهم خیر لانفسهم انما نملی لهم لیزدادوا اثما و لهم عذاب مهین» (سوره آل عمران، آیه ۱۷۸).

امن العدل يابن الطلقاء تخدير ك اماء ك و نساء ك و سوقك بنات رسول الله سبأيا؟! قد هتكت ستورهن، و ابديت وجوههن، تحدوبهن الاعداء من بلد الى بلد، و يستشرفهن اهل المنازل و المناهل، و يتصفح وجوههن القريب و البعيد، و الدنى و الشريف، ليس معهن من رجالهن ولى، و لا- من همتهن حمى، و كيف ترتجى مراقبه من لفظ فوه اكباد الاذكياء، و نبت لحمد بدماء الشهداء؟! و كيف يستظل فى ظللنا اهل البيت من نظر الينا بالشنف و الشنآن و الإحن و الاضغان؟! ثم تقول غير متاثم و لامستعظم: فاهلوا استهلوا فرحا. ثم قالوا: يا يزيد لا تشل.

منتحياً على ثنایا ابى عبدالله عليه السلام سيد شباب اهل الجنة تنكتهما بمخصرتك. و كيف لا تقول ذلك، و قد نكات القرحة، و استاصلت الشافه، باداقتك دماء ذريه محمد صلى الله عليه و آله و نجوم الارض من آل عبدالمطلب؟! و تهتفُ باشياحك، زعمت انك تناديهم! فلترون و شيكاً مورد هم، و لتودن انك شلت و بكمت و لم تكن قلت ما قلت و فعلت ما فعلت. اللهم خذ بحقناه و انتقم ممن ظلمنا، و احلل غضبك بمن سفك دماءنا و قتل حماتنا. فوالله ما فريت الاجلدك و لا حززت الا لحمك، و لتردن على رسول الله صلى الله عليه و آله بما تحملت من سفك دماء ذريته و انتهكت من حرمة فى عترته و لحمته و حيث يجمع الله شملهم و يلم شعشهم و ياخذ بحقهم «و لا تحسبن الذين قتلوا فى سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون» و حسبك بالله حاكماً، و بمحمد خصيماً و بجبرئيل ظهيراً، و سيعلم من سول لك و مكنك من رقاب المسلمين، بئس للظالمين بدلا و ايكم شر مكاناً و اضغف جنداً. و لئن جرت على الدواهى مخاطبتك، انى لاستصغر و قدرك، و استعظم تقريعك و استتكثر توييخك، لكن العيون عبرى، و الصدور حرى. الا- فالعجب كل العجب لقتل حزب الله النجباء بحزب الشيطان الطلقاء، فهذه الايدى تنصح من دماننا، و الافواه تتحلب من لحومنا، و تلك الجثث الطواهر الزواكى تناهبها العواسل و تعفوها امهات الفواعل، و لئن اتخذتنا مغنماً لبقدنا و شيكا مغرماً، حين لا تجد الا ما قدمت يداك، و ماربك بظلام للعبيد، فالى الله المشتكى. و عليه المعول فكذ كيدك، و اسع سعيك، و ناصب جهدك فوالله لا تمعون ذكرنا، و لا تمت و حيناً، و لا تدذك امرنا، و لا ترحض عنك عارها، و هل رايك الافندا و ايامك الاعداء، و جمعك الا بددا، يوم ينادى المناد، الا لعنه الله على الظالمين، فالحمد لله الذى ختم لاولنا بالسعاده و المغفره، و الاخرنا بالشهاده و الرحمه. و نسال اللدان يكمل لهم الثواب و يوجب لهم المزيد، و يحسن علينا الخلافه، انه رحيم و دود. و حسبنا الله و نعم الوكيل.» [۳]

عین متن لهوف در کتاب ابو مخنف نیز وارد شده است و ترجمه آن از ابومخنف چنین است:

«زینب دختر علی بن ابی طالب علیه السلام برخاست و گفت: «سپاس خدای را که پروردگار جهانیان است و درود خدا بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و همه خاندان او باد. راست گفت خدای سبحانه که فرمود: «سزای کسانی که مرتکب کار زشت شدند زشتی است، آنان که آیات خدا را تکذیب کردند و به آن‌ها استهزاء نمودند.» ای یزید آیا گمان می‌بری این که اطراف زمین و آفاق آسمان را بر ما تنگ گرفتی و راه چاره را بر ما بستی که ما را به مانند کنیزان به اسیری برند، ما نزد خدا خوار و تو سربلند گشته و دارای مقام و منزلت شده‌ای، پس خود را بزرگ پنداشته به خود بالیدی، شادمان و مسرور گشتی که دیدی دنیا چند روزی به کام تو شده و کارها بر وفق مراد تو می‌چرخد، و حکومتی که حق ما بود در اختیار تو قرار گرفته است، آرام باش، آهسته تر. آیا فراموش کرده‌ای قول خداوند متعال را «گمان نکنند آنان که کافر گشته اند این که ما آنها را مهلت می‌دهیم به نفع و خیر آنان است، بلکه ایشان را مهلت می‌دهیم تا گناه بیشتر کنند و آنان را عذابی باشد دردناک»

آیا این از عدالت است ای فرزند بردگان آزاد شده (رسول خدا صلی الله علیه و آله) که تو، زنان و کنیزگان خود را پشت پرده نگه داری ولی دختران رسول خدا صلی الله علیه و آله اسیر باشند؟ پرده حشمت و حرمت ایشان را هتک کنی و صورت‌هایشان را بگشایی، دشمنان آنان را شهر به شهر ببرند، بومی و غریب چشم بدانها دوزند، و نزدیک و دور و وضع و شریف چهره آنان را بنگرند در حالی که از مردان و پرستاران ایشان کسی با ایشان نبوده و چگونه امید می‌رود که مراقبت و نگهبانی ما کند کسی که جگر آزادگان را جویده و از دهان بیرون افکنده است، و گوشتش به خون شهیدان نموده است. (کنایه از این که از فرزند هند جگر خوار چه توقع می‌توان داشت) چگونه به دشمنی با ما نشتابد آن کسی که کینه ما را از بدر و احد در دل دارد و همیشه با دیده بغض و عداوت در ما می‌نگرد. آن گاه بدون آن که خود را گناهکار بدانی و مرتکب امری عظیم بشماری این شعر می‌خوانی:

فاهلوا و استهلوا فرحاً ثم قالوا یا یزید لا تشل

و با چوبی که در دست داری بر دندانهای ابو عبدالله علیه السلام سید جوانان اهل بهشت می زنی. چرا این شعر نخوانی حال آن که دل های ما را مجروح و زخمناک نمودی و اصل و ریشه ما را با ریختن خون ذریه رسول خدا صلی الله علیه و آله و ستارگان روی زمین از آل عبدالمطلب بریدی، آن گاه پدران و نیاکان خود را ندا می دهی و گمان داری که ندای تو را می شنوند. زود باشد که به آنان ملحق شوی و آرزو کنی کاش شل و گنگ بودی نمی گفتم آنچه را که گفتمی و نمی کردی آنچه را کردی. بارالها بگیر حق ما را و انتقام بکش از هر که به ما ستم کرد و فرو فرست غضب خود را بر هر که خون ما ریخت و حامیان ما را کشت. ای یزید! به خدا سوگند نشکافتی مگر پوست خود را، و نبریدی مگر گوشت خود را و زود باشد که بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شوی در حالتی که بر دوش داشته باشی مسئولیت ریختن خون ذریه او را، و شکستن حرمت عترت و پاره تن او را، در هنگامی که خداوند جمع می کند پراکندگی ایشان را، و می گیرد حق ایشان را «و گمان مبر آنان را که در راه خدا کشته شدند مردگانند، بلکه ایشان زنده اند و نزد پروردگار خود روزی می خورند.» و کافی است تو را خداوند از جهت داوری و کافی است محمد صلی الله علیه و آله تو را برای مخاصمت و جبرئیل برای یاری او و معاونت.

ص: ۱۶

و بزودی آن کس که کار حکومت تو را فراهم ساخت و تو را بر گردن مسلمانان سوار نمود، بداند که پاداش ستمکاران بد است و در یابد که مقام کدام یک از شما بدتر و یاور او ضعیف تر است. و اگر مصایب روزگار مرا بر آن داشت که با تو مخاطبه و تکلم کنم ولی بدان قدر تو را کم می‌کنم و سرزنش تو را عظیم و توبیخ تو را بسیار می‌شمارم، این جزع و بی‌تابی که می‌بینی نه از ترس قدرت و هیبت توست، لکن چشمها گریان و سینه‌ها سوزان است. چه سخت و دشوار است که نجیبانی که لشکر خداوندند به دست طلقاء (آزاد شدگان) که حزب شیطانند، کشته گردند و خون ما از دستهایشان بریزد، و دهان ایشان از گوشت ما بدو شد و آن جسد های پاک و پاکیزه را گرگهای بیابان سرکشی کنند، و کفتارها در خاک بغلطانند (کنایه از غربت و بی‌کسی آنها). ای یزید! اگر امروز ما را غنیمت خود دانستی زود باشد که این غنیمت موجب غرامت (ضرر) تو گردد در هنگامی که نیابی مگر آنچه را که از پیش فرستاده‌ای، و نیست خداوند بر بندگان ستم کننده، به خدا شکایت می‌کنیم و بر او اعتماد می‌نماییم.

ای یزید! هر کید و مکر که داری بکن، هر کوشش که خواهی بنمای، هر جهد که داری به کار گیر، به خدا سوگند هرگز نتوانی نام و یاد ما را محو کنی، وحی ما را نتوانی از بین ببری، به نهایت ما نتوانی رسید، هرگز ننگ این ستم را از خود نتوانی زدود، رای توست و روزهای قدرت تو اندک و جمعیت تو رو به پراکندگی است، در روزی که منادی حق ندا کند که لعنت خدا بر ستمکاران باد.

سپاس خدای را که اول ما را به سعادت و مغفرت ثبت کرد و آخر ما را به شهادت و رحمت فائز گرداند، از خدا می خواهیم که ثواب آنها را کامل کند و بر ثوابشان بیفزاید، و برای ما نیکو خلف و جانشین باشد، که اوست خداوند رحیم و پروردگار ودود، و ما را کافی در هر امری و نیکو و کیل است.» [۴]

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. منتهی الامال شیخ عباس قمی.
۲. تاریخ الرسل و الملوک طبری.
۳. نفس المهموم، شیخ عباس قمی. [۱]. جعفری، سیدحسین محمد، تشیع در مسیر تاریخ، مترجم سیدمحمدتقی آیت اللهی، چاپ ۱۰، ص ۸۰.

[۲]. فاطمه دختر حسین علیه السلام فرموده هنگامی که ما را با آن وضع رقت بار وارد مجلس یزید نمودند، یزید از مشاهده حال ما متاثر شد همان وقت یکی از شامی ها که آدمی سرخ گون بقود چشمش به من که دختری زیبا چهره بودم افتاد و به یزید گفت چقدر مناسب است این کنیزک را به من بخشایی ... شیخ مفید، ارشاد، مترجم، محمد باقر ساعدی خراسانی، تهران، کتابفروشی اسلامیة، چ سوم، ۷۶، ص ۴۷۹.

[۳]. ابن طاووس، علی بن موسی بن جعفر، الملهوف علی قتلی الطفوف، تهران، درالاسوه، چ دوم، ۷۵، ص ۲۱۵.

[۴]. ابومخنف، مقتل الحسین (اولین مقتل سالار شهیدان)، مترجم سید علی محمد موسوی جزایری، قم، انتشارات امام حسن، چ اول، ۸۰، ص ۳۹۳.

کرامات

۱- مرحوم سید کمال الدین رقی، که زمانی مسیولیت واحد تاءسیسات و برق صحن مقدس حضرت زینب (سلام الله علیها) را به عهده داشت، برای یکی از دوستان خود چنین تعریف می کرد:

ص: ۱۸

روزی پسری به نام ((صاحب)) مشغول چراغانی مناره های حرم حضرت زینب (سلام الله علیها) برای جشن مبعث بود که از بالای پشت بام به وسط حیاط صحن سرنگون شد. مردم جمع شدند و بلافاصله او را به بیمارستان عباسیه شهر شام منتقل کردند و به علت حال بسیار وخیم او، توسط پزشکان بستری شد.

خود او نقل می کند: هنگامی که در روی تخت دراز کشیده بودم، ناگهان بی بی مجلله ای دست یک دختر کوچک را گرفته و آن دختر فرمود: اینجا چه می کنی؟ بر خیز و برو کارت را انجام بده. و باز ادامه داد: عمه جان! بگو برو و کارش را انجام بدهد. بی بی اشاره فرمود: برو کارت نیمه تمام مانده. من که ترسیده بودم، با همان لباس بیمارستان از روی تخت بلند شدم و فرار کردم. در خیابان افرادی که مرا آورده بودند با تعجب از من پرسیدند: اینجا چه می کنی؟ و چرا از بیمارستان بیرون آمدی؟ من شرح واقع را گفتم و خلاصه، این واقعه، مشهور آن زمان شهر شام شد.

۲-نقل می کنند: در بروجردهای یهودی بود به نام یوسف، معروف به دکتر. او ثروت زیادی داشت ولی فرزند نداشت. برای داشتن فرزند چند زن گرفت، دید از هیچ کدام فرزندی به دنیا نیامد. هر چه خود می دانست و هر چه گفتند عمل کرد، از دعا و دارو، اثر نبخشید. روزی مایوس نشسته بود، مرد مسلمانی نزد او آمد و پرسید: چرا افسرده ای؟ گفت، چرا نباشم، چند میلیون مال و ثروت برای دشمنان جمع کردم! من که فرزندی ندارم که مالک شود. اوقات وارث ثروت من می شود. مرد مسلمان گفت: من راه خوبی بهتر از راه تو می دانم. اگر توفیق داشته باشی، ما مسلمانان یک بی بی داریم، اگر او را به جان دخترش قسم بدهی، هر چه بخواهی، از خدا می خواهد. تو هم بیا مخفی برو حرم زینب (سلام الله علیها) و عرض حاجت کن تا فرزنددار شوی. می گوید: حرف این مرد مسلمان را شنیدم و به طور مخفی از زنها و همسایه هایم و مردم با قافله ای به دمشق حرکت کردم. صبح زود رسیدیم، ولی به هتل نرفتم، اول غسل و وضو و بعد هم زیارت و گفتم: آقا یا رسول الله! دشمن تو و دامادت در خانه فرزندت برای عرض حاجت آمده، حاشا به شما بی بی جان! که مرا ناامید کنی. اگر خدا به من فرزندی دهد، نام او را از نام ایمه می گذارم و مسلمان می شوم. او با قافله برگشت. پس از سه ماه متوجه شد که زنش حامله است، چون فرزند به دنیا آمد و نام او را حسین نهادند و نام دخترش را زینب. یهودیها فهمیدند و اعتراضها به من کردند که چرا اسم مسلمانها را برای فرزندت انتخاب کردی. هر چه دلیل آوردم نشد قصه را بازگو کردم ناگهان دیدم تمام یهودیهایی که در کنار من بودند با صدای بلند گفتند: ((اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله و اشهد ان علیا ولی الله)) و همه مسلمان شدند.

۲۰۰ داستان از فضایل ، مصایب و کرامات حضرت زینب (سلام الله علیها).

امام زمان علیه السلام و حضرت زینب (سلام الله علیها)

۱- مرحوم آیت الله سید نورالدین جزایری (متوفی ۱۳۴۸ ه ق) در کتاب ((الخصایص الزینییه)) آورده است که عالم دانشمند و محدث خبیر شیخ محمد باقر قاینی ، صاحب کتاب کبریت الاحمر در کتاب کشکول خود به نام ((سفینه القماش)) می نویسد :

در عصری که در نجف اشرف به تحصیل علوم حوزوی اشتغال داشتم در آنجا سیدی زاهد و پرهیز کار بود که سواد نداشت ، روزی در حرم امیرالمومنین علی (علیه السلام) به زیارت مرقد حضرت مشغول بود ، دید یکی از زایران ترک زبان ، گوشه ای از حرم نشست و مشغول تلاوت قران شد ، این سید جلیل احساساتی شد و به خود گفت : ((آیا سزاوار است که ترک و دیلم قران ، کتاب جدت را بخواند و تو بی سواد باشی و از خواند آیات قرآن محروم بمانی؟!)) او از روی غیرت و همت قسمتی از اوقاتش را در سقایی (آبرسانی) صرف کرد تا مخارج زندگی اش را تأمین کند ، و قسمت دیگر را به تحصیل علوم پرداخت و کم کم ترقی کرد تا به حدی که در درس خارج آیت الله العظمی میرزا محمد حسن شیرازی (میرزای بزرگ ، متوفی ۱۳۱۲ ه ق) شرکت می کرد و به درجه ای رسید که احتمال می دادند به حد اجتهاد رسیده است . این سید جلیل و پارسا برای من چنین نقل کرد : در عالم خواب امام زمان حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را دیدم ، بسیار غمگین و آشفته حال بود ، به محضرش رفتم و سلام کردم ، سپس عرض کردم : ((چرا این گونه ناراحت و گریان هستی؟!)) فرمود : ((امروز روز شهادت عمه ام حضرت زینب (سلام الله علیها) است . از آن روزی که عمه ام زینب (سلام الله علیها) شهادت کرده ، تاکنون ، هر سال در روز شهادت او ، فرشتگان در آسمانها مجلس عزا به پا می کنند ، آن چنان می گریند که من باید بروم و آنها را ساکت کنم ، آنها خطبه حضرت زینب (سلام الله علیها) را که در بازار کوفه خواند ، می خوانند و می گریند ، من هم اکنون از آن مجلس فرشتگان مراجعت نموده ام .)) ۲- حاج ملا سلطانه علی ، که از جمله عابدان و زاهدان بود ، می گوید :

((در خواب به محضر مبارک امام زمان (علیه السلام) مشرف شدم، عرض کردم: مولای من! آنچه در زیارت ناحیه مقدسه ذکر شده است که ((فَلَا تُدْبِنَنَّ صَبَاحًا وَمَسَاءً وَلَا بُكِينَ عَلَيْكَ بَدَلَ الدُّمُوعِ دَمًا)) صحیح است؟ فرمود: آری!

گفتم: آن مصیبتی که در سوگ آن، به جای اشک خون گریه می کنید، کدام است؟ آن مصیبت علی اکبر است؟ فرمود: نه! اگر علی اکبر زنده بود، او هم در این مصیبت، خون گریه می کرد!

گفتم: آیا مقصود مصیبت حضرت عباس (علیه السلام) است؟ فرمود: نه! بلکه آن حضرت عباس هم در حیات بود، او نیز در این مصیبت خون گریه می کرد!

عرض کردم: آیا مصیبت حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) است؟ فرمود: نه! اگر حضرت سید الشهداء (علیه السلام) هم بود، در این مصیبت خون گریه می کرد!

پرسیدم: پس این کدام مصیبت است؟ فرمود: مصیبت اسارت عمه ام زینب (سلام الله علیها) است.))

داستان از فضایل، مصایب و کرامات حضرت زینب (سلام الله علیها) نوشته عباس عزیزی.

شهادت فرزندان حضرت زینب (سلام الله علیها)

اشاره

شهادت فرزندان حضرت زینب (سلام الله علیها)

قهرمان کربلا- زینب کبری (سلام الله علیها) علاوه بر فداکاری ها و ایثارگری ها دو تن از فرزندان را نیز فدای راه برادرش امام حسین (علیه السلام) کرد و در روز عاشورا فرزندان آن بانوی بزرگوار به نام های محمد و عون به شهادت رسیدند.

۲- سخن زینب با عمر سعد و لشکریانش در روز عاشورا

مرحوم شیخ مفید رحمه الله علیه چنین نقل می کند که: چون روز عاشورا حضرت زینب (سلام الله علیها) نگاهش به امام حسین (علیه السلام) افتاد که در محاصره و هجوم دشمنان قرار گرفته، تمام بدنش را تیر باران کرده اند. کنار خیمه آمد و فریاد برآورد:

وای بر تو ای عمر سعد، آیا حسین کشته می شود و تو تماشا می کنی؟ او جواب زینب را نداد. دوباره زینب (سلام الله علیها) فریاد زد: آیا در میان شما مسلمان پیدا نمی شود باز هم کسی جواب زینب را نداد. در برخی از منابع چنین آمد: در حالی که اشکهای عمر سعد بر دو گونه و محاسنش روان بود روی خود را از زینب برگردانید.

حضرت زینب (سلام الله علیها) در هنگام محاصره شدن امام توسط لشکریان یزید اشعار زیر را سرود:

مِلُّءُ الْقِفَارِ عَلَى ابْنِ فَاطِمَةَ جُنْدٌ وَ مِلُّءُ قُلُوبِهِمْ دُخْلَ جَحَائِلٍ بِاللَّطْفِ أَوْلَاهَا وَ آخِرُهَا بِالشَّامِ مُتَّصِلٌ

بیابان بر ضدّ فرزند فاطمه از لشکر پر و دلهایشان مملو از انتقام است!

لشکر انبوهی که یک سرش در کربلا و سر دیگرش در شام می باشد.

اسیران و جانبازان کربلا، ص: ۱۰۰

وداع امام (علیه السلام) و درخواست پیراهن کهنه

- وداع امام حسین (علیه السلام) و درخواست پیراهن کهنه از حضرت زینب (سلام الله علیها) و سفارش به خواهرش درباره زنان و کودکان

در ساعت های آخر روز عاشورا هنگامی که امام (علیه السلام) تنها شد به طرف خیمه آمد و فریاد زد: یا زینب، امّ کلثوم، یا فاطمه، یا سکینه، یا فلانه (که همه را به اسم صدا زد) عَلِیْکِنَّ مِنْی السَّیْلَامِ سِیَسْ بِهْ خَوَاهِرْشْ زَیْنَبْ سَفَارْشْ زَنَهَا وَ کُودْکَانَ رَا نَمُود. آنگاه فرمود: برای من پیراهن بیاور که آن را زیر لباسم قرار دهم تا کسی رغبت نکند آن را از تنم بیرون بیاورد؛ سپس حضرت زینب (سلام الله علیها) برای او لباس تنگ آورده (اگره حضرت از پوشیدن لباس تنگ) حضرت آن را دور انداخت و فرمود: این لباس کسی است که ذلیل و خوار شده باشد. آنگاه پیراهن کهنه آورده، آن را پاره کرد و در زیر لباسهایش قرار داد سپس تقاضای زیر جامه کرد و آن را هم پاره پاره کرد، پوشید و آماده جنگ شد.

اسیران و جانبازان کربلا، ص: ۱۰۱

ص: ۲۲

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری
۴. صرفاً ارائه محتوای علمی
۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ...
۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و ... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

